■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir
■ www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌های اصفهان، اهواز، تبریز، ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

سه‌شنبه ۱۱ دی ۱۳۹۷ | ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۸۸ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Tuesday - 2019 Jan 1

حدیث روز: الکافی

پیامبر اسلام (ص):
زیان رساندن به خود و به دیگران ممنوع است.

پلک احساس: حسین منزوی

تو خوب مطلقی، من خوب‌ها را با تو می‌سنجم
بدین سان بعد از این، خوبی عیاری تازه خواهد یافت

امروز در تاریخ:

- درگذشت ادیب و نویسنده، یوسف اعتصامی، پدر پروین اعتصامی (۱۳۱۶ ش)
- اعلام منع برده‌داری و دستور آزادی بردگان در آمریکا (۱۸۶۳م)
- تشکیل کمیساریای عالی آوارگان سازمان ملل متحد (۱۹۵۱م)
- چکسلواکی به دو کشور جمهوری چك و اسلواکی تجزیه شد. (۱۹۹۳)
- رسمیت یافتن یورو به عنوان پول واحد اروپا (۲۰۰۲م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۰۸ | غروب آفتاب: ۱۷/۰۱
اذان مغرب: ۲۲۱۷ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۳
اذان صبح (فردا): ۵/۴۵ | طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۴

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	ایلام	بوشهر	تبریز	شیراز	شهرکرد	کرمانشاه	یاسوج
۱۱ / ۴	۶ / ۴	۲۱ / ۱۶	۵ / ۴-	۱۶ / ۳	۱۰ / ۲	۴ / ۲	۱۰ / ۴

حکمت ۴۱: نهج‌البلاغه

قلب احمق در دهان او و زبان عاقل در قلب او قرار دارد.

زنگ انشاء

بازخوانی یك روایت واقعی از دزد با انصاف

می‌گفت صبح پاکی بود. از آن صبح‌ها که آسمان یك لکه ابر که هیچ یك خال کبوتر هم ندارد. می‌گفت رسیدم جلوی صحن انقلاب. هوا قند بود. می‌گفت یکهو سر بلند کردم و آن قاب را دیدم. یك گلدسته طلایی که انگار آسمان را چاك داده بود و داشت می‌رفت به آسمان برسد. می‌گفت دست به گوشی شدم و این تناور طلایی سربه فلك کشیده را ثبت کنم. می‌گفت ثبت کردم و عکس را گذاشتم پس‌زمینه صفحه گوشی‌ام.

یك سال گذشت، تا آن روز کذایی. یك بعد از ظهر پاییزی چرك و دود گرفته جایی حوالی میدان انقلاب، از تحریریه زده بودم بیرون که با مترو بروم جایی جلسه. می‌گفت از مترو آمدم بیرون و گوشی‌ام را از جیبم بیرون آوردم که تماسی بگیرم که ضربه‌ای دم گوشم حس کردم و مرد زیتونی‌پوشی گوشی‌ام را زد و در گرگ و میش خیابان همان‌طور که می‌دوید کوچك و کوچك‌تر شد. می‌گفت زانوهایم خالی کرده بود، دهانم قفل شده بود، نه نای دویدن دنبالش را داشتم نه دهانی برای فریاد. می‌گفت دل به تقدیر زمانه سپردم و گفتم برد، چه می‌شود کرد. حیران بودم و سرگردان و مضطرب که دیدم مرد زیتونی‌پوش برگشت. انگار یك فیلم را به عقب برگردانده باشی، آمد و گفت سلام، ببخشین من دزد نیستم، نداشتم، ندارم، مجبورم! گوشیت رو که زدم یکهو صفحه‌اش روشن شد و چشمم افتاد به عکس روی صفحه. از امام رضا خجالت کشیدم، گفتم میرم پسش میدم. بهتر از اینه که اون دنیا با امام رضا چشم تو چشم بشم.

می‌گفت کماکان سکوت بودم. این چه دزدی بود؟ چه پس‌دادنی؟ من سکوت بودم او هم سکوت. دست‌هایم یخ کرده بود. گوشی حالا توی دستم عرق کرده بود، راهم را گرفتم و رفتم. توی مسیر به این فکر می‌کردم: فقر و نداری هیچ دلیل محکمی برای دزدی نیست. ولی این دزد شاید اخلاق نداشت ولی انصاف داشت. یاد حرف آقاجانم افتادم که می‌گفت: محبت اهل بیت یه چیکه هم که باشه یه جایی یه روزی دستتو می‌گیره. گوشی‌ام توی دستم بود و به گلدسته خیره شده بودم، توی دلم به امام رضا گفتم: حساب و کتاب شما با ما خیلی فرق داره. خیلی دلم می‌خواهد بدانم این نوع ابراز علاقه به شما آخر و عاقبتش چیست؟

خاك باکتری کش

در سال‌های اخیر افزایش مقاومت باکتری‌ها در برابر انواع آنتی بیوتیك‌ها موجب نگرانی پزشکان شده و آنها به دنبال یافتن روش‌های جدیدی برای حل این مشکل هستند و حتی به شیوه‌های سنتی متوسل شده‌اند.

به گزارش فارس، گروهی از پژوهشگران دانشگاه Swansea موفق به کشف موادی خاص در بخشی از خاك کشور ایرلند شده‌اند که از توانایی منحصر به‌فردی برای نابودی برخی انواع مرگبار باکتری‌ها برخوردار است.

بسیاری از مردم ایرلند از مدت‌ها قبل از خواص شفابخش خاك بخش‌هایی از این کشور اطلاع داشتند، اما به‌تازگی توجه دانشمندان به طور جدی به این موضوع جلب شده است.

خاك یادشده در منطقه‌ای در شمال ایرلند پیدا می‌شود و بسیاری از بیماری‌ها را شفا می‌دهد. مردم محلی هزاران سال قبل، از این خاك برای مداوای برخی عفونت‌ها و نیز دندان درد استفاده می‌کردند.

علت شفابخشی این خاك وجود باکتری موسوم به Streptomyces در آن است که به علت بهره‌مندی از خواص آنتی‌بیوتیك شهرت دارد. بررسی‌های جدید به شناسایی نوع دیگری از باکتری در این خاك با همان خواص موسوم به Streptomyces sp. Myrophorea نیز منجر شده است. کاهش توانمندی آنتی‌بیوتیك‌ها برای نابودی باکتری‌های مضر باعث شده دانشمندان به دنبال تولید داروهای جدید از موادی همچون توت سفید، گل توتون، زهر مارماهی، شیر مادر، عسل، شربت افرا و حتی پوست قورباغه باشند.

گفت‌وگو با مسعود کرامتی، بازیگر و کارگردان

خوب دیدن را یاد بگیریم

کافه میرداماد

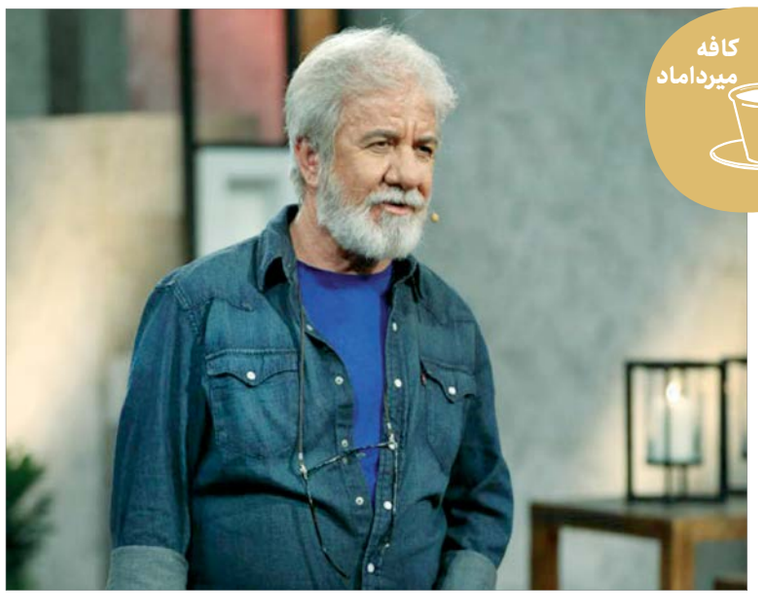

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

شما هم احتمالا مثل من بازی مسعود کرامتی را در نقش‌های مختلف دوست دارید. به نظرم او همیشه عالی است از فرم بازی او در فیلم‌هایی مثل پناهنده و سفر به چزابه بگیر تا باغ‌های کندلوس، ضدگلوله، گذر موقت، چهارراه استانبول، بی‌گناهان و ... از بازی‌های خوبش که بگذریم، چند فیلم و سریالی را که کارگردانی کرده هم می‌پسندم و به سریال «خانه ما» پنج ستاره می‌دهم. سریالی که در دهه ۷۰ تولید و پخش شد، عالی بود. رضا بابك، گوهر خیراندیش، مانی نوری و چند بازیگر دیگر نقش‌های اصلی آن را بازی می‌کردند و قصه سریال داستان خانواده‌ای با دو پسر و دو دختر بود. آنهایی که با کرامتی همکاری کرده‌اند معتقدند او بسیار با اخلاق و بامرام است. وقتی به او تلفن کردم تا هم صحبتش شوم، آن‌قدر با محبت و فروتن برخورد کرد که مهر تاییدی بود بر همه حرف‌های خوبی که پشت سرش است. جواب‌های مسعود کرامتی به سوالاتم را بخوانید تا متوجه سطح سواد و منطق این بازیگر - کارگردان شده و حالتان بهتر شود.

در سلام و احوالپرسی گفتید اگر حالتان هم خوب نباشد، حال بدتان را بروز نمی‌دهید! واقعا چه لزومی دارد وقتی به هر دلیلی حالمان خوب نیست، آن را جار بزنیم و به دیگران نیز منتقل کنیم؟

البته اگر به این صراحت از این موضوع صحبت کنیم، کمی دچار شعارزدگی می‌شویم! بیشتر اوقات آدم‌ها نمی‌توانند حال بد خود را پنهان کنند، به‌خصوص این روزها حال خوب داشتن خیلی سخت است و باید خیلی قوی باشی که بتوانی این حس را تجربه و به دیگران منتقل کنی. این که دیگران به من لطف دارند و می‌گویند آدم خوبی هستم، این ویژگی به خلق و خو و نگاه آدم‌ها به زندگی بستگی دارد. مقید هستم در زمان کار و در زندگی گروهی و جمعی چطور باید رفتار کنم که دیگران اذیت نشوند. تلاش می‌کنم حداقل حال دیگران را بد نکنم. باور دارم زندگی اتفاق باارزشی است و قطعا آن چیزی که ارزش ندارد، آزار دیگران و بی‌توجهی به آنها یا خودرایی است.

یکی از آموزه‌هایی که درباره رشد شخصیت وجود دارد، این است که فارغ از قضاوت درباره دیگران، ما چگونه رفتار می‌کنیم، چه حسی به دیگران منتقل می‌کنیم و آنها پشت سر ما چه می‌گویند.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم درباره دیگران قضاوت می‌کنیم، اما باید تلاش کنیم این قضاوت منصفانه و خوشبینانه باشد تا زمانی که آنقدر دلیل داشته باشی که به خودت اجازه بدهی درباره او قضاوت بد هم داشته باشی. ما نمی‌توانیم جلوی نظر دادن دیگران را بگیریم هر قدر هم خوددار باشیم و نظر و قضاوتمان درباره دیگران را به اشتراك نگذاریم، اما در ذهن خودمان درباره دیگران فکر کرده و نظر می‌دهیم.

در آثاری مانند خانه ما، کودکانه، روزکارنامه و... به موضوع خانواده پرداخته‌اید، خانواده‌هایی که آزمون و خطاهای زیادی دارند و باید از مراحل مختلف عبور کنند تا به ثبات برسد. از چه زاویه‌ای به خانواده نگاه می‌کنید و چه تعریفی برای آن دارید؟

در تعریف کلاسیك، خانواده اجتماع کوچکی است که تفکر حاکم بر آن به همه جامعه راه پیدا می‌کند. به شدت به خانواده اعتقاد دارم. خانواده مامنی است که چند نفر با خلوص کنار هم زندگی می‌کنند. این دورهمی باارزش و قابل احترام است و باید به آن بها داد. به نظرم خانواده خوب به معنای عام کلمه، زمینه و فضایی است که می‌تواند آدم‌های خوب و با نگاه سالم‌تری تحویل جامعه بدهد. اجتماع کوچك خانواده به آدم‌ها یاد می‌دهد چگونه وارد اجتماعات بزرگ‌تر شوند، از پیش دبستانی بگیر تا فضای کسب و کار و جامعه. خانواده سالم، خوب و معقول سازنده جامعه‌ای خوب و سالم است. اما منظورم این نیست که ظواهر را حفظ کنیم و بعد بگوییم خانواده سالمی داریم. وقتی می‌گوییم باید به والدین احترام گذاشت، این احترام باید واقعی باشد یعنی قرار نیست مدام قربان، صدقه پدر و مادرها برویم و دچار رفتارهای ظاهری و فریبنده شویم. این‌که والدین با بچه‌های خود شوخی کنند، بگو و بخند داشته باشند اصلا ایرادی ندارد. احترام واقعی به نظر من یعنی دوست داشتن یکدیگر، یعنی رفاقت عمیق. آدم‌ها اگر عمیق یکدیگر را دوست داشته باشند، می‌توانند از یکدیگر عصبانی شوند حتی سر هم داد بزنند، اما اگر فهم و ارتباط دوستانه و منطقی بین آدم‌ها وجود داشته باشد، خیلی زود دوباره پیوند بین آنها برقرار می‌شود بدون این که کدورتی در میان باشد.

امروزه دنیای اینترنت ما را با گستره زیادی از اندیشه‌ها و تفکر برای زندگی بهتر آشنا می‌کند، این روزها ویدئویی از استاد الهی قمشه‌ای در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌چرخد که ایشان به ما توصیه می‌کند برای داشتن حال بهتر روزانه حداقل چند صفحه کتاب خوب بخوانیم، موسیقی خوب گوش کنیم، معماری‌های چشمنواز را نگاه کنیم و از طبیعت غافل نشویم تا بتوانیم حال خوبمان را حفظ کنیم. شما برای داشتن حال خوب چه می‌کنید؟

به نظرم همه این آموزه‌ها ما را به خلوتی سازنده دعوت می‌کند تا از اجتماع خشمگین و غیرقابل تحمل به آن پناه برده و بتوانیم در این خلوت حال خودمان را خوب کنیم. در این خلوت می‌توان خوب دیدن را به چشم‌ها آموخت، می‌توان گوش را تمرین داد به شنیدن خوبی‌ها. در خلوت می‌توان خود را آموزش داد تا خوبی‌ها را رصد کنی و ببینی. با همه اینها معتقدم در جامعه امروزی ما این‌گونه زندگی کردن بسیار دشوار است. در جامعه‌ای که اخلاق کمرنگ شده، خیلی سخت است فقط زیبایی‌ها را دید و از آنها صحبت کرد پس این همه زشتی و بداخلاقی را چه کنیم؟

خیلی‌ها درباره سقوط اخلاق در جامعه ما صحبت می‌کنند و برخی مثل شما نگرانند با این وضعیت چه بر سر جامعه ما خواهد آمد. به نظرتان چرا بی‌اخلاقی گسترش پیدا کرده؟ به نظر من سختی و مشکلات دلیل اصلی آن نیست. ما مردمی هستیم که هشت سال جنگ را پشت سر گذاشته‌ایم و...

سطحی‌گویی و حرافی تبدیل به عادت شده است. بیشتر مردم حرف‌های به اصطلاح گنده‌ای می‌زنند. ادعای اخلاق‌مداری و اندیشه‌ورزی دارند، اما فقط در مرحله حرف می‌مانند و هرگز به آنها عمل نمی‌کنند. مثلا پدری در خانه مدام از اخلاق، خوش‌رفتاری، صبر و ... حرف می‌زند اما در بیرون از خانه بچه‌اش می‌بیند که او هیچ‌کدام از اینها را رعایت نمی‌کند؛ در چنین شرایطی چطور فرزند باید به پدر اعتماد کند؟ واقعیت این است جامعه ما پر از دروغ است و در چنین جامعه‌ای نمی‌توان دم از اعتماد زد و زمانی که اعتماد نباشد، جامعه از هم می‌پاشد و دیگر نمی‌توان توقع داشت آدم‌هایش دچار عصبیت و خشم نباشند.

جشن در رودخانه آتش

شب سال نوی میلادی در پایتخت کشور اسکاتلند، مراسم متفاوتی برگزار می‌شود که سه روز طول می‌کشد.

به گزارش فرارو، در روز سی‌ام دسامبر، شرکت‌کننده‌های بسیار زیاد این مراسم شادی‌کنان، مشعل‌هایی را به دست می‌گیرند که با هم تشکیل توده‌ای از جمعیت را داده که به نام رودخانه آتش شناخته می‌شود.

سپس این توده از میان خیابان‌های اولد تان (Old Town) و از سمت میدان پارلمان (Parliament Square) تا تپه کالتِن (Calton Hill) ادامه پیدا می‌کند.

عکس: میزان

این همه رنگ، این همه زندگی-رنگرزی سنتی - اهر، آذربایجان شرقی

ربات ریلی به راه افتاد

شرکت معدنی ریو تینتو در استرالیا از آغاز به‌کار درازترین ربات جهان در استرالیا در قالب یك ترن خودران بزرگ خبر داده است.

به گزارش مهر، این ترن که AutoHaul نام دارد در منطقه دورافتاده پیل بارای استرالیا برای حمل و نقل بار و انواع مواد معدنی مورداستفاده قرار خواهد گرفت.

شرکت سازنده، راه اندازی این شبکه ریلی را در این منطقه دورافتاده در ابعاد فعلی، چالش بزرگ توصیف کرده است و افزوده با استفاده از یك قطار خودران رباتیك در مسیر یادشده بهره وری افزایش و هزینه‌های حمل مواد معدنی به میزان قابل‌توجهی کاهش یافته است.

این شرکت قصد دارد در آینده از قطارهای رباتیك بیشتری برای انتقال مواد معدنی استفاده کند. سیستم یادشده از زمان راه‌اندازی آزمایشی تا امروز مسافتی بیش از یك میلیون کیلومتر را طی کرده است.

با توجه به نگرانی کارگران معادن استرالیا در مورد از دست دادن مشاغلشان در صورت استفاده از ربات‌های خودران، شرکت ریوتینتو وعده داده به‌رغم راه‌اندازی این خط آهن هیچ کارگری را اخراج نخواهد کرد. این قطار خودران برای حمل هر بار ۲۸ هزارتن سنگ آهن از پیل بارا در غرب استرالیا تا بندر کیپ لامبرت به کار گرفته خواهد شد.

مقطع حساس کنونی

حکایت پندآموز و الهام‌بخش مارکتینگ

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

مرد جوانی که دنبال کار می‌گشت، روی در فروشگاهی زنجیره‌ای، یك آگهی استخدام فروشنده دید و به دفتر فروشگاه مراجعه کرد تا استخدام شود. مدیرعامل فروشگاه به او گفت: «باید یك روز به‌طور آزمایشی کار کنی، در پایان ساعت فروشگاه با توجه به راندمان کاری‌ات در حضور هیات مدیره درباره استخدامت تصمیم خواهیم گرفت.»

مرد جوان یك روز آزمایشی کار کرد و در پایان ساعت فروشگاه، مدیرعامل در حضور هیات مدیره از او پرسید: «خب، بگو ببینم، چند مشتری از تو خرید کردند؟»

مرد جوان گفت: «یك مشتری.»

مدیرعامل گفت: «زکی. یکی؟»

هیات مدیره قارقار خندیدند. مدیرعامل پرسید: «خب، حالا خریدشان چند تومان شد؟»

مرد جوان گفت: «دو میلیارد و ششصد و هشتاد و چهار میلیون تومان.» هیات مدیره کف کردند.

مدیرعامل پرسید: «وا، مگه چی فروختی؟» مرد جوان گفت: «می‌خواستند، یك جفت چوب اسکی کوچك، دو جفت چوب اسکی بزرگ، دوتخته اسکی، سه کوله کوهنوردی، دو چادر کمپینگ و چهار کیسه خواب به آنها پیشنهاد کردم، خریدند. بعد پرسیدم خودرویتان چیست، گفتند تویوتا کمری. یك تویوتا اف‌جی کروزر پیشنهاد کردم، خریدند. پرسیدم برای کوهنوردی کجا می‌روید، گفتند دربندسر یك ویلا در شمشك پیشنهاد کردم، خریدند.» یکی از اعضای هیات‌مدیره پرسید: «یارو آمده بود چوب اسکی بخرد، تو به او ویلا فروختی؟» مرد جوان گفت: «خیر، آمده بود قرص ضدافسردگی بخرد. من به او گفتم اسکی در دامن طبیعت قاتل افسردگی است.» در این هنگام، هیات‌مدیره که کف و خون قاطی کرده بودند، مدیرعامل را با لگد بیرون انداختند و مرد جوان را به‌عنوان مدیرعامل جدید استخدام کردند و هم‌اکنون آن فروشگاه ۲۶ شعبه در سراسر کشور و ۶۲ درصد جریان مارکتینگ در فضای مجازی را در اختیار دارد.

معمار اینترنت مُرد

لارنس رابرتز، معروف به لری رابرتز که یکی از بنیانگذاران شبکه اینترنت بود، در ۸۱ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا، وی از دانشمندان ارشد دارپا (آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی آمریکا) بود. در حالی که او به اندازه افرادی نظیر تیم برنرز-لی یا وینت سرف در حوزه اینترنت نزد مردم شناخته شده نیست، اما تصمیمات کلیدی و مهمی گرفته که چگونگی رفتار اینترنت را مشخص کرده است. رابرتز پس از خواندن یك مقاله سرنوشت‌ساز در مورد مفهوم شبکه بین رایانه‌ای در دهه ۱۹۶۰، به توسعه ایده ایجاد شبکه رایانه به رایانه پرداخت. وقتی رابرت تیلور، رئیس دفتر تکنیك‌های پردازش اطلاعات آرپا (ARPA) به دنبال کسی بود که بین رایانه‌های تحقیقاتی آرپا پیوند برقرار کند، رابرتز را به عنوان معمار اصلی انتخاب کرد. رابرتز ابتدا این کار را کامل متوجه نشد، تا زمانی که وزلی کلارك پیشنهاد تکیه بر رایانه‌های کوچك برای مدیریت شبکه را داد.

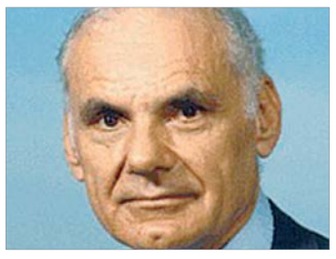

سپس رابرتز برنامه آرپانت را با موفقیت به انجام رساند و با ابداع فناوری راه‌گزینی بسته کوچك (packet switching) موجب یك تحول بزرگ در کنترل ترافیك شد.